



دهه ۲۰۲۰ و تغییر تاریخی چین



جورج فریدمن
استراتژیست

در سال ۱۹۸۴، اقتصاد چین به نرخ رشد شگفت‌انگیز ۱۵ درصدی دست یافت. پس از آن این نرخ کاهش یافت و در سال‌های بعدی متغیر بود، اما درست قبل از بحران مالی ۲۰۰۸ به حدود ۱۴ درصد بازگشت. عقل سلیم این بود که برای چین، این بازگشت به حالت عادی است. در سال ۲۰۰۸، هنگام نوشتن کتاب «۱۰۰ سال آینده»، دیدگاه متفاوتی داشتیم. معتقد بودم نرخ رشد اقتصادی چین به اوج خود رسیده است و در دهه‌های آینده، به تدریج کاهش خواهد یافت. در سال‌های اخیر، نرخ رشد چین به حدود ۵ درصد کاهش یافته است. من با توجه به الگوی چرخه‌ای کشورهای بزرگ که رشد اقتصادی خود را بر صادرات بنا نهاده‌اند، به این نتیجه رسیدم. اولین نمونه، ایالات متحده بود که رشد اقتصادی آن عظیم و مبتنی بر صادرات بود و از دهه ۱۸۹۰ شروع شد و حدود ۴۰ سال بعد با رکود بزرگ پایان یافت، زیرا اقتصاد اروپا پس از جنگ جهانی اول ویران شد و دیگر قادر به خرید کالاهای آمریکایی نبود. مثال دوم ژاپن بود که رشد سرسام‌آور خود را - بر اساس صادرات به ایالات متحده - در اوایل دهه ۱۹۵۰ آغاز کرد. این رشد در دهه ۱۹۹۰ در بحبوحه مقاومت اقتصادی و سیاسی در ایالات متحده در برابر صادرات خودروهای ژاپنی پایان یافت. رونق اقتصادی چین نیز به همین ترتیب با صادرات به ایالات متحده تقویت شد. این صادرات در دهه ۱۹۸۰ افزایش یافت و حدود سال ۲۰۲۰ کاهش یافت. بر اساس الگوهای ایالات متحده و ژاپن، پیش‌بینی کردم که رونق اقتصادی چین ۴۰ سال پس از شروع آن پایان خواهد یافت. مانند سایر الگوهای چرخه‌ای، می‌توانستم نتیجه را درک کنم، حتی اگر نمی‌توانستم ثبات آن را توضیح دهم. من در سال ۲۰۰۸ پیش‌بینی کردم که ایالات متحده و چین یک رویارویی اقتصادی خواهند داشت نه یک رویارویی نظامی. من در آن زمان جزئیات این رقابت را نمی‌دانستم، اما تعرفه‌های دولت ترامپ بر چین را به عنوان رویارویی در نظر می‌گیرم و هنوز هم جنگ آشکار نظامی بین ایالات متحده و چین را محتمل نمی‌بینم. من همچنین متوجه شدم که کاهش نرخ رشد چین باعث ایجاد تنش‌های داخلی بین مناطق مختلف چین و در نهایت تشدید امنیت داخلی توسط رهبری چین خواهد شد. چین به‌دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده است، اما با توجه به جمعیت عظیم آن، از نظر تولید ناخالص داخلی سرانه، شصت‌ونهمین اقتصاد بزرگ است. در سال ۲۰۰۸، من از نابرابری اقتصادی عظیم بین جمعیت مناطق ساحلی چین و جمعیت مناطق داخلی آن آگاه بودم. مناطق داخلی چین هرگز از مزایای رشد یا ثروتی که مناطق ساحلی از آن بهره‌مند شدند، بهره‌مند نشدند. این پیش‌بینی همانطور که انتظار داشتم به حقیقت پیوست. اما من همچنان معتقدم که تنش در حال افزایش است، به خصوص در مکان‌هایی مانند استان سین کیانگ و سایر مناطق روستایی. باید به خاطر داشت که مانو تسمنتونگ، که آغازگر جنگ داخلی چین بود، یک ارتش دهقانی بزرگ را برای به دست گرفتن قدرت تشکیل داد و بسیاری از حامیان این ارتش از مناطق داخلی روستایی بودند و اگرچه امروز نشانه‌هایی از تنش، از جمله تصمیم رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ برای متمرکز کردن قدرت، وجود دارد، فکر می‌کنم پیش‌بینی من در مورد درگیری منطقه‌ای درست است، هر چند که به اندازه کافی خود را نشان نداده است تا ادعای موفقیت‌آمیز بودن پیش‌بینی من در این نقطه بحرانی را توجیه کند. با این حال، تنش سیاسی قابل مشاهده است؛ شایعات مربوط به سلامتی شی و دستگیری ژنرال‌های ارتش آزادی‌بخش خلق نمونه‌های جدید هستند. بحران‌های اقتصادی مختلف چین نشان‌دهنده کاهش نرخ رشد اقتصادی است، اما به طور قابل توجهی، آنها لزوماً نشان‌دهنده رکود اقتصادی نیستند و در واقع اقتصاد چین پایدار است. اما رویارویی اقتصادی با ایالات متحده اکنون در جریان است و عواقب آن برای پکن می‌تواند وخیم باشد، به‌خصوص اگر چین دیگر قادر به صادرات کالاهای خود به ایالات متحده نباشد. در عین حال، به‌رغم قدرت‌نمایی‌ها، هیچ خصومت نظامی وجود نداشته است و تحلیل من اکنون این است که چین نمی‌تواند بدون صادرات عظیم خود، که تنها چیزی است که می‌تواند اقتصاد آن را واقعاً تثبیت کند، خود را حفظ کند. بنابراین، انتظار دارم که به یک توافق اقتصادی با آمریکا دست یابد.

عکس: Getty Images

تحت
همه



توافق موق...

توافقات ترامپ و شی احتمالاً برای مدت محدود

کاهش تعرفه‌های متقابل واشنگتن، صرفاً نشان‌دهنده کاهش موقت تنش‌های اقتصادی میان دو کشور است، نه تعریف مجدد اهداف استراتژیک دو کشور. در واقع چین و آمریکا همچنان همان اهداف استراتژیک قبلی در قبال یکدیگر را دنبال می‌کنند و این توافقات موقت، صرفاً مانورهایی دیپلماتیک است. غیبت موضوع تایوان از دستور مذاکرات دو طرف و تصمیم هم‌زمان ترامپ برای از سرگیری آزمایش‌های هسته‌ای، نشان می‌دهد که هیچ‌یک از طرفین محاسبات بلندمدت خود در قبال دیگری را تغییر نداده و تنها سعی کرده‌اند آسیب‌پذیری‌های کوتاه‌مدت خود را در قبال دیگری مدیریت کنند. مطمئناً، آسیب‌پذیری‌های هر دو طرف در این جدال اقتصادی و تجاری قابل توجه خواهد بود.

دولت ترامپ در میانه کاهش محبوبیت ترامپ در آمریکا، با هدف کسب پیروزی‌های تاکتیکی برای جلب حمایت از استراتژی خود در مورد اقتصاد ایالات متحده و رقابت با چین وارد این مذاکرات شد. در عین حال، شی جین‌پینگ هم نیاز داشت تا توجه افکار عمومی‌اش را از مشکلات اقتصادی فراوان چین منحرف کند. این جلسه به او این امکان را داد تا چین را به عنوان کشوری برابر با ایالات متحده به تصویر بکشد و در عین حال برخی از امتیازات، مانند توافق دو طرف برای تعلیق هزینه‌های بندری کشتی‌های یکدیگر را نیز به دست آورد. به گفته ترامپ، پکن همچنین موافقت کرد که خرید انرژی ایالات متحده را از سر بگیرد. با این حال، اساساً این رابطه همچنان در دالان‌های رقابت سیستماتیک در حوزه‌های اقتصادی، فناوری و امنیتی گرفتار شده و گرفتار باقی خواهد ماند.

اقتصاد چین با رکود ساختاری ناشی از تقاضای داخلی اندک برای مصرف، بیکاری بالای جوانان و بحران اعتماد به بخش خصوصی دست‌وپنجه نرم می‌کند. بازار املاک چین، که زمانی موتور رشد اقتصادی این کشور بود، حالا تبدیل به لنگری شده که کشتی اقتصاد چین را تحت فشار زیر آب رفته قرار داده است. فعالان بازار مسکن در چین بیش از حد به وام‌های مسکن وابسته بودند اما سهام مسکن‌شان فروخته نشد. درآمد‌های دولت‌های محلی در چین نیز رو به کاهش گذاشت و به‌طور کلی معضلی برای اقتصاد چین ایجاد شد.

تلاش‌های پکن برای تحریک رشد از طریق سرمایه‌گذاری دولتی و ترویج صادرات، با کاهش بارزه مواجه شده و غرب نیز به این تلاش‌ها واکنشی منفی نشان داده و سعی کرده خود را از وابستگی به صادرات کالاهای چینی برهاند. مهم‌تر از همه اینکه چین با چالش گذار قدرت روبه‌رو است. مشروعیت مدل ساختار سیاسی چین به میزان خیلی زیادی به تحقق، ادامه و حفظ رشد اقتصادی‌اش وابسته شده اما مدل رشد اقتصادی چین به شکلی طراحی شده که با واقعیت‌های تحولات جهانی و تحولات داخلی نیز سر ناسازگاری دارد.

چین در واکنش به این معضلات و برای حل این بحران‌ها سعی کرده تا به سمت یک اقتصاد مصرف‌محور تغییر جهت بدهد

واشنگتن و پکن در روز ۱۲ ماه مه به توافق برسند که تعرفه‌های جدید را موقتاً کاهش دهند (کاهش به ۳۰ درصد برای چین و ۱۰ درصد برای ایالات متحده) و محدودیت‌های چین بر عناصر خاکی کمیاب را از ماه آوریل «به حالت تعلیق» درآورند. در ماه‌های بعد، دو طرف تلاش کردند تا این توافق غیررسمی را تکمیل کنند، اما محدودیت‌های جدید صادرات ایالات متحده بر فناوری‌ها، از جمله تراشه‌های پیشرفته و فناوری‌های مرتبط با آن، همچنان آتش‌بس تجاری ناپایدار میان دو طرف را تحت فشار قرار داد و شرایط به سمتی پیش رفت که قرار شد آتش‌بس تعرفه‌ای ۱۲ مه در ۱۰ نوامبر منقضی شود. بین ماه آگوست و اوایل اکتبر، ایالات متحده چندین قانون کنترل صادرات جدید یا گسترده‌تر را اعلام کرد، و چین نیز هیچ خرید جدیدی از سویای تولیدشده در ایالات متحده برای فصل برداشت پاییز انجام نداد و نگرانی‌هایی را در واشنگتن در مورد نیاز احتمالی کشاورزان به دریافت مالی از سوی دولت فدرال ایجاد کرد. در نتیجه‌ی سیاست‌های ایالات متحده، چین در ۹ اکتبر اعلام کرد که رژیم صدور مجوز صادرات عناصر خاکی کمیاب خود را به حوزه فراسرزمینی گسترش می‌دهد و هر تولیدکننده خارجی را که قصد صادرات کالایی را دارد که حداقل ۰/۱ درصد از ارزش آن از زورده‌های عناصر خاکی کمیاب چین حاصل می‌شود، ملزم به ارائه درخواست می‌کند. روز بعد، ترامپ با تهدید به وضع تعرفه‌های ۱۰۰ درصدی بر کالاهای چینی و محدودیت‌های صادراتی بر نرم‌افزارهای حیاتی ایالات متحده به چین، تلافی کرد. این اقدامات اخیر، خطر لغو اجلاس از پیش برنامه‌ریزی شده شی جین‌پینگ و ترامپ در کره جنوبی را به همراه داشت، اما در نهایت، به دلیل تمایل متقابل برای کاهش تنش و پیشگیری از تأثیرات اقتصادی و صنعتی قریب‌الوقوع بر هر دو کشور، جلسه ۳۰ اکتبر طبق برنامه برگزار شد.

ایالات متحده با ضرورت ایجاد یک توافق موقت عملی با چین روبه‌رو است. در حال حاضر، چین رقیب تقریباً هم‌سطح ایالات متحده است که قدرتش در سطح منطقه‌ای متمرکز است اما در سطح جهانی نیز بسیار اثرگذار است. استراتژی واشنگتن با هدف محدود کردن توانایی پکن در تبدیل دستاوردهای اقتصادی و فناوری خود به قابلیت‌های نظامی است. اگر چین بتواند دستاوردهای نظامی خود را افزایش دهد، می‌تواند توازن قدرت را در غرب اقیانوس آرام تغییر دهد. البته چین برای انجام این کار نیاز دارد تا نخست تناقض‌های موجود در مرکزیت قدرت‌ش را از میان بردارد. چین تحت فشارهای اقتصادی فزاینده است و این فشارها احتمالاً سرعت و دامنه صعود قدرت این کشور را به عنوان یک بازیگر جهانی کند می‌کند.

دیدار ۳۰ اکتبر بین دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، و شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در یک پایگاه هوایی کره جنوبی، این داینامیک نظامی‌محور را به تصویر کشید. تعهدات پکن در مورد محدود کردن صادرات فنتانیل، خرید سویا از آمریکا و برداشتن محدودیت عناصر خاکی کمیاب در قبال

دولت ترامپ در میانه کاهش محبوبیت ترامپ در آمریکا، با هدف کسب پیروزی‌های تاکتیکی برای جلب حمایت از استراتژی خود در مورد اقتصاد ایالات متحده و رقابت با چین وارد این مذاکرات شد. در عین حال، شی جین‌پینگ هم نیاز داشت تا توجه افکار عمومی‌اش را از مشکلات اقتصادی فراوان چین منحرف کند. این جلسه به او این امکان را داد که چین را به عنوان کشوری برابر با ایالات متحده به تصویر بکشد و در عین حال برخی از امتیازات، مانند توافق دو طرف برای تعلیق هزینه‌های بندری کشتی‌های یکدیگر را نیز به دست آورد

آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل



مذاکرات ایالات متحده و چین در کره جنوبی منجر به امضای چارچوب توافقی به نفع چین شد، با این حال، احتمال تشدید جنگ تجاری در آینده در طول سال آینده وجود دارد، زیرا واشنگتن و پکن به دنبال اجرای تفسیرهای خود از این توافق جدید هستند. در روز ۳۰ اکتبر، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، با شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، برای بحث در مورد مسائل تجاری در بوسان، کره جنوبی، دیدار کرد. آنها اعلام کردند که ایالات متحده تعرفه ۲۰ درصدی فنتانیل بر چین را در ازای همکاری چین در مهار جریان صادرات فنتانیل به آمریکا به ۱۰ درصد کاهش خواهند داد. ایالات متحده همچنین از تعرفه اضافی ۱۰۰ درصدی که قبلاً تهدید کرده بود بر چین اعمال خواهد کرد، صرف‌نظر کرده و موافقت کرده است که تحقیقات بخش ۳۰۱ خود در مورد کشتیرانی چین را متوقف کند. توقف این تحقیقات احتمالاً شامل تعلیق هزینه‌های سنگین ایالات متحده بر کشتی‌های ساخته‌شده، تحت مدیریت یا متعلق به چین خواهد بود. چین نیز، به نوبه خود، موافقت کرده که خرید سویا از ایالات متحده را از سر بگیرد، محدودیت‌های گسترده صادرات عناصر خاکی کمیاب فراسرزمینی خود را به مدت یک سال به حالت تعلیق درآورد و پس از آن آنها را مجدداً بررسی کند، و با ایالات متحده برای «حل و فصل مناسب» مسئله مربوط به عدم مشارکت اجباری چین در موضوع نرم‌افزار TikTok همکاری کند. علاوه بر این، ترامپ ادعا کرد که چین موافقت کرده است خرید محصولات انرژی ایالات متحده، از جمله از آلaska را آغاز کند، و این امر منوط به مذاکرات بین تیم‌های مذاکره‌کننده انرژی دو کشور است، اگرچه چین هنوز این موضوع را تأیید نکرده است. دو طرف همچنین توافق کردند که تعلیق تعرفه‌های متقابل ۲۴ درصدی (علاوه بر تعرفه پایه ۱۰ درصدی ایالات متحده) را به مدت یک سال پس از تاریخ انقضای ۱۰ نوامبر تمدید کنند.

ترامپ همچنین موافقت کرد که در ماه آوریل با شی جین‌پینگ در چین دیدار کند؛ در حالی که واشنگتن ادعا می‌کند شی جین‌پینگ نیز با سفر به ایالات متحده موافقت کرده است، اما زمان آن مشخص نیست. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، در ۳۰ اکتبر ادعا کرد که چین موافقت کرده است در سال ۲۰۲۵، ۱۲ میلیون تن سویا از ایالات متحده خریداری کند و ۲۵ میلیون تن دیگر نیز سالانه برای سه سال آینده خریداری شود. این مذاکرات پس از یک سال پرآشوب ناشی از وضع تعرفه‌های جدید و محدودیت‌های صادراتی انجام می‌شود. این جدال منجر به آتش‌بس ناپایدار در ماه مه شد اما بارها با اقدامات تنش‌زا از سوی هر دو طرف به چالش کشیده شده است. ترامپ تنها چند هفته پس از بازگشت به کاخ سفید، در اول فوریه با اعلام تصمیم خود برای افزودن ۱۰ درصد تعرفه بر واردات کالاهای چینی از ایالات متحده، با اشاره به نقش چین در بحران فنتانیل ایالات متحده، تنش‌های تجاری با چین را دوباره شعله‌ور کرد. در ماه‌های بعد، چین یک رژیم صدور مجوز جدید برای صادرات عناصر کمیاب کلیدی خود تدوین کرد و تأمین‌نهادها برای کالاهای صنعتی بی‌شماری در جهان را مختل کرد. در همین حال، تعرفه‌های جدید ایالات متحده به ۱۴۵ درصد تعرفه‌های چین به ۱۲۵ درصد افزایش یافت. این تشدید تنش‌ها باعث شد